

دیوان امیر پازواری، در کعبه بدزد اگر بیایی

علی ذبیحی

پژوهشگر فرهنگ و ادب مازندرانی
azabihin@yahoo.com

محمدرضا گودرزی

پژوهشگر فرهنگ و ادب مازندرانی
m.r.gudarzi@gmail.com

نامیده می‌شود و اهدایی «و.و.گوسف» کنسول روسیه در استرآباد است. قسم دوم در این جلد به چاپ نرسیده و متأسفانه تاکنون نیز اثری از آن در دست نیست. اشعار قسم سوم هم در چهار فصل (۳۱۵/۵ بیت)، از افراد مختلف هم چون «بروگش» (چهل و یک سروده)، «محمدصادق بارفروشی» (چهل و سه سروده) و «دیتیل» (سی و پنج سروده) به «دارن» اهدا شده‌اند. ترجمه اشعار و هزلیات جلد نخست، محتوای فصل سوم از جلد دوم را تشکیل می‌دهد. «میرزا شفیع مازندرانی» نیز در چاپ این اثر همراه «دارن» بوده و داستان امیر، تلفظ اشعار، شعرهای تکبیتی، ترجمه و جدا کردن اشعار را عهده‌دار بوده است.

یادداشت‌های «دارن» در مقدمه کتاب کنز‌الأسرار و شوق دست‌یابی به قسمت مفقود شده آن، سبب شد تا پژوهندگان امیر با یادآوری «حسین صمدی» در «کتابنامه مازندرانی» از نسخه (A-947) - محفوظ در انستیتو دستنویس‌های شرقی فرهنگستان علوم روسیه - سن پترزبورگ (نام سابق: موزه آسیای روسیه) - که خود نقل از جلد هفتم نشریه «نسخه‌های خطی» (آکیموشکین و بورشفسکی، ۱۳۵۳: ۷) دانشگاه تهران بود، این نسخه را قسمت مفقود شده کنز‌الأسرار حدس بزنند و در پی دست‌یافتن به این نسخه برآیند. اما با وجود فرایندی پیچیده و محدودیت‌دار در کتابخانه‌های روسیه، موفقیتی در دست‌یابی به این اثر حاصل نشد.

نگارنده در ادامه این پیگیری‌ها، به تکاپویی مجدد پرداخت که به مدد الهی گشایشی در کار حاصل شد و اساتید و دوستان گرانقدر، عالیجنابان «حسین متقی» در سفر علمی به سن پترزبورگ، «الکسی خیسما تولین»، مترجم مثنوی مولوی به زبان روسی، و پروفسور «ولادیمیر ایوانف»، استاد ایران‌شناسی و زبان فارسی دانشگاه دولتی مسکو، تصاویری را از نسخه‌های دست‌نوشته (C-1906) و (B-2454)، (D-420)، (A-947) از سن پترزبورگ ارسال نمودند. مشخصات چهار نسخه مذکور به شرح ذیل نوشته می‌شود.

نسخه A-947 (شماره مسلسل کتابشناسی آکیموشکین:

۱۳۷۵)

پس از چاپ جلد دوم کتاب کنز‌الأسرار مازندرانی و فقدان قسم دوم آن و همچنین نبود اطلاعات خاص در این زمینه،

«امیر پازواری» ملقب به «شیخ‌العجم»^۱، بلندپایه‌ترین شاعر ادب مازندرانی است و سروده‌های هیچ شاعری در مازندران به اندازه او از صفحه دل عوام و خواص، بر زبان جاری نمی‌گردد و اشعار هیچ شاعر بومی سرای مازندران، همچون اشعار او، در آثار خطی و چاپی مکتوب نشده است؛ لذا او «شفاهی‌ترین» و «مکتوب‌ترین» شاعر بومی سرای مازندران است. اما با این شهرت، سیمای زندگی او در حاله‌ای از گمنامی، داستان‌های افسانه‌ای و سکوت تذکره‌ها پنهان است.

اشعار برجامانده از امیر، نشان از وجود دیوانی مکتوب تا سده یازدهم هجری - دو سده قبل از کتاب کنز‌الأسرار مازندرانی - می‌دهد. اما آنچه امروزه از او به صورت تفصیلی وجود دارد و به آن استناد می‌گردد، دیوانی است که خاورشناسان در سده سیزدهم هجری ثبت، و «برنهارد دارن» با استعانت از «میرزا محمد شفیع مازندرانی»، آنها را تنظیم و با نام «کنز‌الأسرار مازندرانی» (۱۲۷۷ و ۱۲۸۳ ه.ق) در سن پترزبورگ منتشر کرد. جلد یکم این کتاب (۱۲۷۷ ه.ق)، شامل ۴۹ داستان فارسی با ترجمه مازندرانی (اهدایی خانیکف با ترجمه میرزا علی)، روایت افسانه امیر و گوهر، سروده‌ها (۱۶۸ سروده = ۴۳۰ بیت) به همراه ۲۵ بیت هزلیات است. جلد دوم (۱۲۸۳ ه.ق)، دو قسم اول و سوم دارد: قسم اول، اشعار امیر پازواری در ۴۲۶ سروده (۱۹۷۰ بیت) است که «من کلام امیر پازواری»

۱ این‌که این لقب را چه کسی و چرا به امیر داده است، مشخص نیست. اما بر اساس نسخه خطی شماره ۲۹۱ مجلس شورای اسلامی، به کتابت محمدمقیم بارفروش‌دهی، این لقب از سال ۱۰۹۰ هجری به امیر منسوب بوده است. اشاره رضاقلی خان هدایت به شیخ‌العجم بودن امیر، بسیار متأخرتر از این نسخه خطی است.

نام این نسخه «دیوان حافظ» است، اما در پایان هر غزل حافظ، یک دوبیتی از «امیر» ثبت شده است که از صفحه ۱۰۳ الی ۱۶۷ پ را با تاریخ ۱۲۴۶ ه.ق شامل می‌شود (Akimushkin; 1964: 199). سروده‌ها به خط نستعلیق نوشته شده‌اند. محمدتقی دانش‌پژوه (۱۳۵۸، ۳۳۸) نیز از این اثر در نشریه نسخه‌های خطی نام برده است.

سروده آغاز (۱۰۳ر):

امیر گنه تِه عشق هُگرده بو مری مست

م جان و دل یکبار نیرنی مری دست

مجنون صفت گِردمه شیدای و سرمست

تا که بیورم گهر گل دیم‌ره ش دست

سروده انجام (۱۶۷پ):

امیر گنه م گوهر حور و پریزاد

الف قدبَت وامچی مانند صاد

سلیمان صفت تِه حکم روان بر باد

هر کس که تِن مهر نورزِ نوی شاد

وجود این ویژگی در این نسخه یادآور این موضوع است که امیر در مازندران جانشین حافظ است و عامه مردم مازندران با اشعار امیر پازواری به صورت شفاهی و به همراه آواز، فال می‌گیرند. فال با اشعار امیر، در شب جشن «تیرماه سیزده» یا «تیرگان» هنوز برقرار است. در این شب افراد خانواده به خانه بزرگ خانواده می‌روند و فردی که اشعار شفاهی زیادی از امیر می‌داند شروع به آواز خواندن به صورت دوبیتی می‌کند. به این روش خواندن، «تبری» یا «امیری» می‌گویند. در این مراسم پیش از خواندن، فرد دیگری - که عموماً از دوشیزگان حاضر در مجلس است - به نام یک نفر از حضار، نیت می‌کند و چون خوانش هر دوبیتی به پایان می‌رسد، نام او اعلام می‌گردد. حضار نیز بر اساس دوبیتی خوانده شده، خوب یا بد بودن فال او را به کوتاهی بحث می‌کنند. این روند برای مابقی حضار و حتی افرادی از بستگان که نتوانستند در این شب حضور یابند، ادامه می‌یابد. از آنجایی که در اجرای فال حافظ، یک غزل به صورت اتفاقی انتخاب و خوانده می‌شود و در فال امیر نیز به همین صورت، یک دوبیتی به آواز خوانده می‌شود؛ احتمالاً کاتب نسخه دیوان حافظ، نسبت به این سنت و به ویژه فال امیر،

گمانه‌زنی‌هایی در خصوص انتساب نسخه A-947 به قسمت مفقوده کنزالأسرار صورت پذیرفت. در این خصوص و برای کسب اطلاعات بیشتر، کتاب «فهرست توصیفی نسخه‌های خطی فارسی در انستیتو دست‌نویس‌های شرقی فرهنگستان علوم روسیه - سن پترزبورگ» نیز مورد بررسی قرار گرفت که فقط تشابهاتی در نام «امیر» و «امیری» حاصل شد. اما با تهیه صفحه مورد نظر از فهرست «آکیموشکین» و در نهایت با تهیه نمونه تصاویری از این نسخه، محرز شد که مجموعه اشعار این نسخه، مربوط به بخش اشعار جلد یکم کنزالأسرار است و هیچ ارتباطی با قسم مفقود شده کنزالأسرار مازندرانی ندارد. در واقع این نسخه می‌تواند تحریر اولیه یا تحریری دیگر از نسخه C-1906 باشد.

نسخه A-947 در انستیتوی دست‌نوشته‌های شرقی فرهنگستان علوم روسیه - موزه آسیایی سابق - در سن پترزبورگ نگهداری می‌شود و شامل ۷۶ برگ به تاریخ ۱۲۷۵ ه.ق، به خط نستعلیق و دارای ترجمه لغوی به فارسی در بین ابیات با عنوان «دیوان امیر پازواری» است (Akimushkin; 1964: 199). کاغذ نسخه، فرنگی سفید است و جلد آن، تیماج قهوه‌ای روشن، ضربی و مجدول است. عموم صفحات نسخه، شش سطری است و هر سطر نیز یک مصرع را به خود اختصاص داده است.

آغاز نسخه:

امیر گنه دشت پازوار خُجیره

گشت پازوار رو در بهار خجیره

بی ریش ریکای زلف‌دار خجیره

چیت قلمکار بوته‌دار خجیره

انجام نسخه:

چند حامچم تِه سره دیاری

چند بشمارم تِه گردن مرواری

انشاءالله بمیرشی و شی مار و یاری

تو گنه سره حامچی مه دیاری

نسخه D-420 (شماره مسلسل کتابشناسی آکیموشکین:

۱۳۷۷)

۲ - شماره‌های B 4471 (مسلسل ترجمه: ۱۰۱۳) و B 2180 (NOV. 1053) (مسلسل ترجمه: ۱۰۱۹).

شناخت داشته است. لذا به خاطر آشنایی با شباهت یا جانشینی حافظ و امیر در میان مردم مازندران، در پایان هر غزل از حافظ، یک دوبیتی از امیر را مکتوب کرده است. با در دست داشتن این اثر ارزشمند - که امروزه هم می توان از آن بسیار استفاده نمود - حضار مجلس می توانستند هم فال حافظ بگیرند و هم فال امیر را به صورت مکتوب بخوانند.
نسخه B-2454 (شماره مسلسل کتابشناسی آکیموشکین: ۳۴۸۸)

انستیتوی دست نوشته های شرقی فرهنگستان علوم روسیه - موزه آسیایی سابق - در سن پترزبورگ، نگهدارنده نسخه ای خطی، با عنوان «احوال امیر پازواری»، به زبان مازندرانی با برگردان فارسی به شماره B-2454 است. نسخه، بدون تاریخ و دارای ۶ برگ - برابر ۱۲ صفحه (ار - ۶پ) - (Akimushkin; 1964: 458)، با جلدی قهوه ای رنگ است. سروده ها نیز به خط تحریری بر روی کاغذ نخودی فرنگی نوشته شده اند. مولف اثر، «میرزا محمد شفیع مازندرانی» است که نامش روی جلد یادداشت شده است. او همکار «برنهارد دارن» در چاپ و نشر کتاب «کنز الأسرار مازندرانی» بوده است. برگ یکم نسخه، سفید است و متن داستان از برگ دوم آغاز می گردد که در نسخه، شماره ۱ بر آن ثبت شده است. صفحات فرد نسخه، داستان یا افسانه امیر و گوهر به زبان مازندرانی است که کاملاً مشکول است و صفحات زوج، به برگردان فارسی این افسانه اختصاص دارد. متن افسانه پس از حمد و ثنای الهی و درود بر انبیاء و اولیاء، به سرگذشت امیر پازواری یا همان افسانه امیر و گوهر اختصاص دارد که به عینه در جلد یکم کنز الأسرار نیز مکتوب شده است.

این نسخه تائیدی بر نوشته «دارن» در مقدمه آلمانی جلد اول کنز الأسرار است که نوشته بود: افسانه امیر و گوهر در «صفحات ۱۲۴ - ۱۲۹، همچنین تلفظات و ترتیب تک بیت شعرهای امیر، به دست میرزا شفیع انجام گرفت» (دارن، ۱۳۴۹: ۸ - دیباچه). به این ترتیب، نسخه اساس و دست نوشت یکی از بخش های کنز الأسرار، مشخص شده است. یعنی صفحات ۱۲۴ الی ۱۲۹ از جلد یکم کنز الأسرار مازندرانی، انعکاس کامل نسخه خطی B-2454 می باشد و تغییری در انتقال از نسخه دست نوشت به اثر چاپی دیده نمی شود.

آغاز نسخه:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَالصَّلٰوةَ وَالسَّلَامُ عَلٰی اَنْبِیَائِهِ وَ
اَوْصِیَائِهِ اَجْمَعِیْنَ اِلٰی یَوْمِ الدِّیْنِ. اَمَّا بَعْدُ: اِیْنَ كِتَابِیْ هَسَّهٗ مُسَمِّیْ
بَكْنَزِ الْاَسْرَارِ مَازَنْدَرَانِیْ كِه سَرْگُذِشْتِ شَیْخِ الْعَجَمِ وَ اَشْعَارِ وِیْ
اَشْعَارِ شَاعِرُوْنِ دِیْگَرِ رَءِ دَرْ دَرَنْ كِه بَرَنْهَارْدُ دُوْرُنْ شِه سَعِیْ
اِهْتِمَامِ جَا تَالِیْفِ هَكَرْدَه ...

انجام نسخه: ... اسم آن چوپان نیز امیر بوده، او نیز عاشق گوهر گردیده، و این دو امیر با شعر باهم بسیار مکالمه می کنند. نسخه C-1906 (شماره مسلسل کتابشناسی آکیموشکین: ۱۳۷۶)

انستیتو دست نوشته های شرقی فرهنگستان علوم روسیه - موزه آسیایی سابق - در سن پترزبورگ، نگهدارنده نسخه ای خطی، با عنوان انتخابی «دیوان امیر پازواری»، مشتمل بر سروده هایی به زبان مازندرانی به شماره C-1906 (شماره مسلسل کتابشناسی آکیموشکین: ۱۳۷۶) است. نسخه دارای ۱۸ برگ (ار - ۱۸ر) - برابر ۳۵ صفحه - به تاریخ ۱۲۷۵ ه.ق، با برگردان تحت اللفظی ابیات مازندرانی به فارسی است (Akimushkin; 1964: 199). سروده ها به خط شکسته ممتاز بر روی کاغذ فرنگی سفید با جلد کاغذی کرم (فرسوده) می باشد. برگ های نسخه پراکنده و نیازمند ترمیم هستند (نقل شفاهی از: حسین متقی). کاتب اشعار - که به خواهش آقا میرزا محمود نایب، کنسولگری استرآباد نسخه را نوشته است - «میرزا داداش قلی مازندرانی» است که نام کامل او در حاشیه برگ (۱۶ر) به صورت «علی میرزا داداش قلی مازندرانی» ثبت شده است. مترجم و کاتب ترجمه ها نیز بر اساس یادداشت حاشیه پایان نسخه، فرد دیگری به نام «حسین» است که ظاهراً با کاتب اشعار فرق دارد.

به علت تفاوت نام کاتب و مترجم، احتمالاً در این اثر با دو نفر مواجه هستیم و «میرزا محمد شفیع مازندرانی» که همکار «برنهارد دارن» در چاپ کتاب «کنز الأسرار مازندرانی» بود در این نسخه دخالتی نداشته است و هر آنچه هست به همکاری او در چاپ کتاب برمی گردد. در حال حاضر اطلاعاتی از «علی میرزا» و «حسین» در دست نیست، جز این که به احتمال، «علی میرزا داداش قلی» می تواند همان «میرزا علی» باشد که با

که تمامی آن را شب‌ها به سرعت تمام تحریر و مسود نمودم». در حاشیه همین صفحه با همان خط آمده است: «مستعجلاً؛ بحسب الخواش جناب سلاله السادات...؟ آقا میرزا محمود نایب قونسولگری مقیم استرآباد چون تعجیل داشت، قلمی گردید. من هجرة الشهور سنة ۱۲۷۵ [ه.ق.]». این یادداشت یادآور موضوعی است که «و.و.گوسف» کنسول استرآباد، اشعار قسم اول از جلد دوم کنزالاسرار را، پیش از چاپ جلد اول و قبل از سفر دارن به مازندران، به او اهدا نمود. آیا با نام بردن از کنسولگری استرآباد و علی میرزا داداش قلی - که شاید همان «میرزاعلی» بوده باشد - می‌توان احتمال داد کاتب اشعار امیر، در کنسولگری استرآباد حضور داشته و پس از تحریر و مسوده نمودن، نسخه‌های آن را به «گوسف» و «خانیکف» داده و آنها نیز اشعار را به «دارن» اهدا نمودند؟

مترجم اشعار نیز در حاشیه فوقانی صفحه پایانی نسخه، طی یادداشتی آورده است: «من بنده که حسین نام دارم حسب الامتثال قونسول اعظم افخم و برادر معظم، عباس این اشعار ابدار را ترجمه کردم، ولی چون زبان حیوان فهمیدن سهل تر از زبان «گل امیر» فهمیدن بود، اوقات شریف را ضایع کردم و به دشواری تمام این مزخرفات را ترجمه نوشتم. ح (= حسین)».

از نوع خط، ترجمه ارائه شده و یادداشت‌ها و خط‌کشی‌های داخل نسخه، می‌توان استنباط نمود که این اثر ابتدا به همان خط شکسته نستعلیق کتابت شده بود و پس از اینکه در اختیار «دارن» برای انتشار قرار گرفت، مترجمی که «حسین» نام داشت، اشعار را ترجمه کرده است؛ مترجمی که در سخن گفتن بی‌نزاکت، و در ترجمه نیز ضعیف بوده است.

سروده‌های این نسخه - به جزء پنج بیت (ابیات: ۴۱ - ۴۲ - ۲۴۶ - ۲۴۷ - ۳۰۹) - همانی است که «برنهارد دارن» در جلد نخست کتاب «کنزالاسرار مازندرانی» (۱۸۶۰ م) به چاپ رساند و این نسخه را اساس کار خود قرار داد. اما در این انتقال و اقتباس، دگرگونی‌هایی در ترتیب دوبیتی‌ها، مصرع‌های هر دوبیتی و برخی کلمات صورت پذیرفت. اینگونه می‌نماید که دست‌اندرکاران چاپ کتاب، نسخه خطی را به زعم خود با اصلاح و تصحیح، به اثری شسته و رفته تبدیل نمودند.

«نیکلای خانیکف» (N.N.Khanykov) - خاورشناس و جغرافی‌دان روسی و سرکنسول روسیه در تبریز - همکاری داشته و ترجمه کلیه حکایت‌های مازندرانی مجلد اول کنزالاسرار - که در اختیار برنهارد دارن قرار گرفت - از اوست. این مورد در مقدمه جلد اول کنزالاسرار نیز یادآوری شده است. در این صورت اساس چاپ کتاب کنزالاسرار مازندرانی (جلد ۱) بر مجموعه کوشش‌های «میرزا علی» استوار است که متأسفانه تاکنون شناختی از شخصیت او نداریم.

اشعار نسخه از برگ ۱پ آغاز می‌گردد، اما پیش از آن در برگ ۱ر، یادداشتی این چنین آمده است:

«این جزوه را بنویسانید و هر کجائی که خط کشیده شده نباید نوشته شود مگر در آخر کتاب و آن اشعاری که از ملاعباس عرب است باید در خاتمه کتاب نوشته شود زیرا که هزلیات است و باعث نقص کتاب می‌شود و هیچ اعراب نگذارند بنده خودم اعراب کلمات را بعد از مطبوع ساختن می‌گذارم زیاده زحمتی ندارم و السلام».

این یادداشت حکایت از آن دارد، نسخه برای انتشار، مورد استفاده قرار گرفته و از «میرزا محمد شفیع مازندرانی» یا به احتمال از «برنهارد دارن» است.

نسخه در برگ ۱پ، با این سروده آغاز می‌گردد:

امیر گته دشت پازوار خجیره

گشت پازوار رو در بهار خجیره

چیت قلمکار بوته دار خجیره

بی ریش ریکای زلف دار خجیره

انجام نسخه نیز با سروده زیر پایان می‌یابد (گ ۱۸ر):

چند حامجم ته سره دیاری

چند بشمارم ته گردن مرواری

انشاء الله بمیر، شی و شی مار و یاری

تو گته سره حامجی من دیاری

نسخه با انجامه زیر خاتمه می‌یابد:

«تمام شد اشعار شیخ العجم گل امیر پازواری در لیل

سه‌شنبه شهر جمادی الاخری من شهر هزار و دو بیست و هفتاد

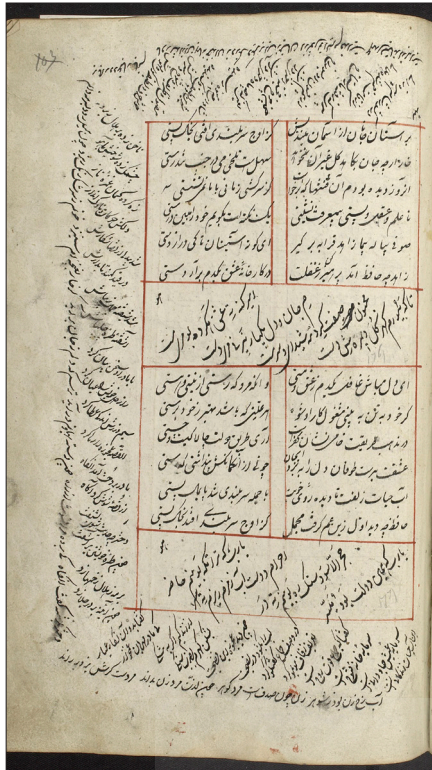
و پنج. فی ید اقل العاصی الخاطی میرزا داداش قلی مازندرانی،

امید از ناظرین که به دعای خیر ما را شاد فرمایند و اگر سهوی

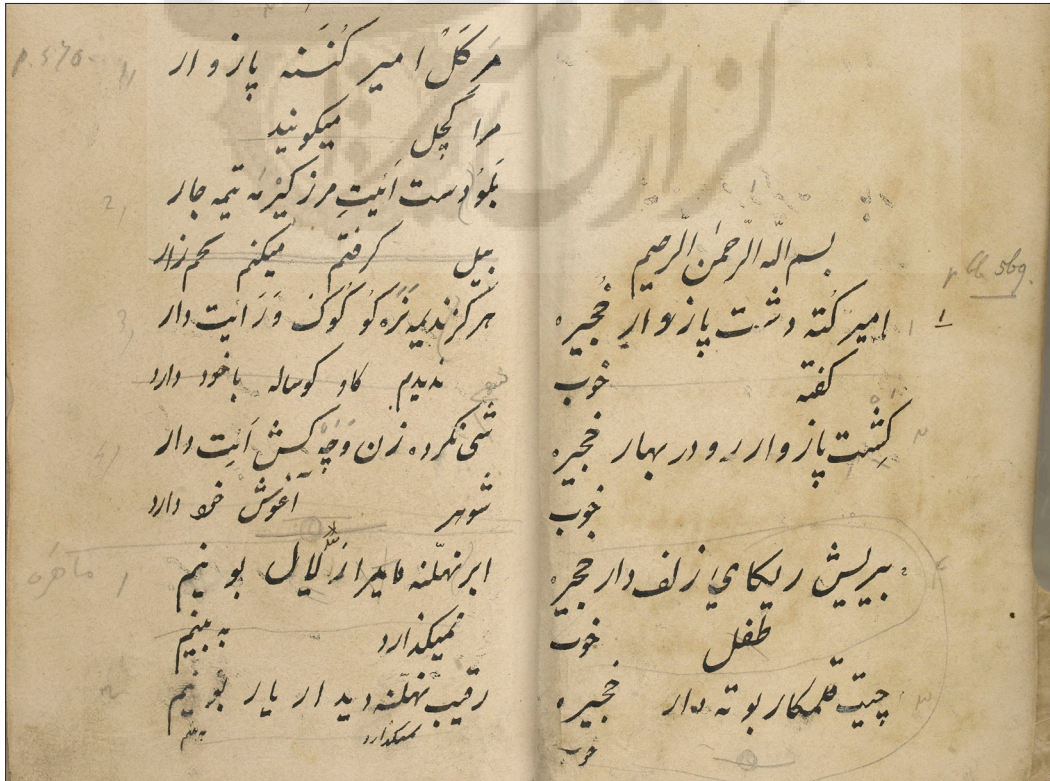
یا غلطی از املا و غیر آن شده باشد چشم از عیوب آن پوشیده،

منابع:

- آکیموشکین، ا.ا. ف؛ بورشفسکی، یو.ی (۱۳۵۳)، مدارکی جهت فهرست نسخ خطی فارسی، ترجمه: عنایت‌الله رضا، [نشریه] نسخه‌های خطی، دفتر هفتم، زیر نظر: محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، تهران: دانشگاه تهران.
- امیر یازواری (۱۲۷۷ق- ۱۸۶۰م)، کنزالاسرارامازندرانی، ج ۱، به کوشش: برنهارد دارن، دارالسلطنه بطربورغ، چاپ افست در ایران ۱۳۳۷ شمسی.
- امیر یازواری (۱۲۸۳ق- ۱۸۶۰م)، کنزالاسرارامازندرانی، ج ۲، به کوشش: برنهارد دارن، دارالسلطنه بطربورغ، چاپ افست در ایران ۱۳۴۹ شمسی.
- دارن، برنهارد امیر یازواری (۱۲۸۳ق- ۱۸۶۰م).
- دانش‌پژوه، محمدتقی [گزارنده و فهرست‌نگار] (۱۳۵۸)، [نشریه] نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های اتحاد جماهیر شوروی و اروپا و آمریکا، تهران: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.
- Akimushkin, O.F. et al., (1964). *Persidskie i tadjizkiskie rukopisi Instituta Narodov Azii AN SSSR I, Moscow.*



نسخه D-420 صفحه آغاز دیوان حافظ و امیر یازواری؛ انستیتوی دست‌نوشته‌های شرقی فرهنگستان علوم روسیه



نسخه A-947 صفحه آغاز دیوان امیر یازواری؛ انستیتوی دست‌نوشته‌های شرقی فرهنگستان علوم روسیه